مینی‌سریال «ملکه شطرنج» مخاطبان زیادی جذب کرده است

نمایش قدرت نرم آمریکا در جنگ سرد

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

احتمالا خیلی‌ها قبل از خواندن این متن می‌دانند که «ملکه شطرنج»، یک مینی‌سریال هفت‌قسمتی محصول نتفلیکس است و وقایع آن در دهه ۶۰ میلادی و در جریان اوج جنگ سرد بین دو ابرقدرت بلوک شرق و غرب می‌گذرد. این مجموعه رویانگر رقابتی خیالی است که فراتر از باقی مسابقات معمولی در میدان‌های مختلف ورزشی، جنبه‌هایی جدی‌تر پیدا می‌کند؛ رقابت بین دو شطرنج‌باز که هر کدام نماینده یکی از این دو ابرقدرت هستند. اتفاقا شطرنج، بازی مورد علاقه روس‌ها و تقریبا ورزش اول بلوک شرق است. حالا در سریالی که راجع به آن صحبت می‌کنیم، شطرنج‌باز آمریکایی یک دختر نوجوان است و شطرنج بازروس یک مرد. به‌طور مشخص بازی شطرنج بین این دو نفر قرار است یک هماورد نمایشی بین دو ابرقدرت باشد که برای مردمان هر کدام از دو سوی صحنه هم جنبه حیثیتی دارد. با نگاه به همین چند خط توضیح، متوجه خواهیم شد که ملکه شطرنج هم لاقل از یک جهت، کاری در رده مینی‌سریال «جزیره» است؛ اثری بر ضد ابرقدرت فروپاشیده شرق. شرایط دوران جنگ سرد باعث شده بود که میدان‌های ورزشی به یکی از اصلی‌ترین آوردگاه‌های رویارویی بین دو بلوک شرق و غرب تبدیل شود؛ خصوصا بسکتبال که ورزش اول آمریکایی‌ها بود و شطرنج که اولویت اول روس‌ها به‌حساب می‌آمد. در میدان‌های حقیقی ورزشی، آمریکا و عمواره‌های انگلیسی‌شان تقریبا در بیشتر رقابت‌های حیثیتی نتوانستند برنده شوند. شاخص‌ترین نمونه آن غیر از همین ورزش شطرنج، شکست تیم بسکتبال آمریکا از تیم شوروی در المپیک ۱۹۷۲ بود. تیم ایالات متحده آمریکا پس از اولین حضور ورزشی بسکتبال در بازی‌های المپیک که مربوط‌به المپیک ۱۹۳۶ برلین می‌شد، تاسال حیثیتی ۱۹۷۲ که در فینال المپیک مقابل تیم اتحاد جماهیر شوروی قرار می‌گرفت، فقت مدال طلای قبلی در المپیک را از آن خود کرده بود. از آن سوا تفاها این دوره‌ای از المپیک بود که شوروی هم می‌خواست با مدال طلای بسکتبال، به مناسبت پنجاهمین سالگرد تاسیس، پنجاه مدال طلا از این رویداد جهانی ببیند. این توضیحات برای این داده می‌شوند که روشن شود در دوران جنگ سرد، ورزش فقط یک رقابت عادی بین نمایندگان دو یا چند کشور نبود. هر دو تیم در فینال به مصاف هم رفتند و این بازی با تنش و زد و خورد و اعتراض بازیکنان و مربیان دو طرف و اخراج چند نفر از آن همراه شد. نهایتا آمریکایی‌ها حاضر به اعتراف بازیکنان و مربیان دو طرف و اخراج چند نفر از آن همراه شد. نهایتا آمریکایی‌ها حاضر به اعتراف بازیکنان و مربیان دو تیم از سر ناچاری نشدند مدال نقره المپیک را دریافت کنند. آمریکایی‌ها که برای انتقام خیلی صبر کرده بودند، سرانجام در المپیک‌های بعدی به دلایل مختلف، و نهایتا به‌علت فروپاشی شوروی نتوانستند مجددا مقابل این تیم قرار بگیرند و همان طور که دمی خواستند انتقام جویی کنند. امادر عالم سینما قضیه تقریبا همیشه یک جا بنبه بوده و آمریکا و عمواره‌های انگلیسی‌شان همیشه برنده میدان مانیش داده می‌شوند. حالا که سال‌ها از فروپاشی شوروی می‌گذرد، هر از چند گاهی می‌بینیم که مجموعه‌های درهمان حال و هوای جنگ سرد بر علیه ابرقدرت بلوک شرق ساخته می‌شود. اینکه چنین کاری چه آورده‌ای دارد و آمریکایی‌ها با بزگرانی از چه چیزی لزوم ساخت این مجموعه‌ها را احساس می‌کنند، بحثی مفصل و جداگانه است؛ اما یک نکته ظریف در این میان، با رگبری ساخت این مجموعه‌ها از شخصیت‌های غرب گرا در خود ممالک بلوک شرق است. مینی سریال جزنویل هم که تولید مشترک یکی از تلویزیون‌های کابلی آمریکایی به نام اچ‌بی‌او و یک شبکه تلویزیونی انگلستان به نام اسکای بود، از روی کتاب خانم سونلاتا آلکسیویچ که اهل اوکراین است و در آن روزگاران شهروند شوروی بود ساخته شد و ملکه شطرنج‌باز ما مشاوره گری کاسپاروف، شطرنج‌باز نابغه روس تهیه شد که حتی در سال ۲۰۰۸ اعلام کرده بود به‌عنوان رقیب ولادیمیر پوتین در انتخابات ریاست جمهوری شرکت خواهد کرد؛ هرچند در همان مراحل مقدماتی به‌دلیل عدم‌اقبال هوادارانش کناره‌گیری کرد. در مورد تفاوت جزنویل با ملکه شطرنج می‌شود به این نکته اشاره کرد که اگر اولی سیستم حکمرانی شوروی و آمریکا را مقایسه می‌کرد و روی عدم‌شفافیت در شوروی تاکید داشت، اما دومی دو جامعه را با هم مقایسه می‌کند و البته تمرکز اصلی‌اش را روی نمایش جامعه آمریکا گذاشته است. جامعه‌ای که در چار بحران خانواده‌ و پی‌بندوباری است، اعتیاد در آن پیداد می‌کند، به‌شدت درگیر توهمات و رویاهای خودش است اما از چیزش همین زباله‌ها در کنار هم می‌تواند مجسمه شکوه بسازد. پیام روانی سریال به‌لحاظ سیاسی، اجتماعی در یک جمله چنین خلاصه می‌شود که ما با وجود تمام این معضلات و با اینکه رقیبامان این معضلات را ندارند، همچنان سالار جهان هستیم. ساخت مجموعه‌هایی مثل جزنویل و ملکه شطرنج درباره یک ابرقدرت فروپاشیده، در دوره‌ای که زمزمه‌هایی از افول نفوذ آمریکا در جهان از یک سو و ایجاد شکاف اجتماعی در داخل مرزهای آن از سوی دیگر مطرح می‌شوند، می‌تواند کارکردهای مشخصی به‌لحاظ فضاسازی روانی داشته باشد؛ اما اگر در مورد ملکه شطرنج صحت‌سنجی کنیم، باید یک‌سری جنبه‌های تجاری پنهان راهم جزء انگیزه‌های دیگری برای رفتن به سراغ موضوعی مثل شوروی در محاسبات قرار داد. هر دوی این مجموعه‌ها ساخت برای پلتفرم‌هایی هستند با تبعیت از شیوه‌های کلاسیک و کم‌وبیش کلیشه‌شده و قابل‌پیش‌بینی قصه‌گویی ساخته شده‌اند. قصه‌گویی هنوز برای اکثر مخاطبان در سراسر دنیا جذاب است اما نکته به‌خصوصی که باعث شهرت هر دو مجموعه تا به این پایه شده، نوع توزیع آنهاست. درست مثل این می‌ماند که یک کانال تلویزیونی، بهترین ساعت پخش خودش را به برنامه‌ای معمولی بدهد تا آن را به اوج برساند. اچ‌بی‌او و نتفلیکس، هردو با سریال‌هایی که علیه شوروی ساخته شدند، چنین برخوردی کردند. یکی از جزنویل یا ملکه شطرنج مواجه می‌شویم، باید بدانیم که با کارهایی متوسط رو به بالا طرف هستیم که اهمیت آنها از جهت تاکید سیستم‌رسانه‌ای آمریکا روشن ایجادمی‌شود. یعنی این مجموعه‌ها بیشتر از اینکه به‌خاطر خودشان اهمیت بررسی داشته باشند، از این جهت که چراسیستم‌رسانه‌ای آمریکا مود تاکیدشان قرار داده، ارزش بررسی دارند. در سریال ملکه شطرنج، عنصر تألیف وجود ندارد. سفارش این کار از طرف کمپانی نتفلیکس به اسکات فرانک و آلن اسکات داده شده تا آن را تهیه و کارگردانی کنند و اگر اسکات‌ها نبودند، هر کس دیگری هم این مجموعه را تقریبا به همین شکل می‌ساخت. خلاصه‌اش می‌شود اینکه ملکه شطرنج را اسکات‌ها با هر فرددیگری به‌عنوان کارگردان نساخته، بلکه کمپانی نتفلیکس آن را ساخته است. به‌علاوه، این مجموعه مدت‌ها بعد چندان در یاد و خاطره کسی نخواهد ماند؛ درحالی که همین امروز بعضی از سریال‌هایی که محصول ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ سال‌پیش هستند، مجددا توسط رسانه‌ها معرفی می‌شوند و مخاطبان جدیدی آنها را با اشتیاق می‌بینند. ملکه شطرنج اثر صعیفی نیست اما از نظر هنری وفنی تا آن اندازه‌ای ارزش نقد و بررسی ندارد که شاهکارهای هنر سینما و سریال‌سازی دنیا، با آگاوی اجزاء عناصر این سریال، به فرمول‌های جدیدی از زیبایی‌شناسی یا گنجاندن دلالت‌های معنایی در فرم نخواهیم‌رسید. دلیل شهرت مجموعه این است که منتشرکننده‌ بزرگی داشته و از طرف آن منتشرکننده، در بهترین وضعیت منتشر شده است. حالا آن را می‌توان از این جهت که چرا چنین منتشرکننده‌ای تا این اندازه روی دیده شدن این محصول به‌خصوص خودش تاکید داشته، مورد بررسی قرار داد. غیر از مسائل سیاسی-اجتماعی که از ظاهر چنین مجموعه‌ای هم مشخص است برای پرداختن به آنها نکته‌ و راهبرد خاصی در سریال وجود داشته، این سریال تاثیر ویژه و شگفت‌انگیزی روی فروش خدمات آنلاین شطرنج در دوران خانه‌نشینی کرونا هم داشته و حتی روی فروش نسخه‌های فیزیکی آن هم بی‌تاثیر نبوده است. آیا معامله‌ای بین شرکت‌های تولید سرگرمی، مثل کمپانی Goliath games، غول تجارت الکترونیکی eBay، سایت Chess.com و امثال آنها از یک سو و کمپانی نتفلیکس از سوی دیگر، برای ساخت این سریال صورت گرفته؟ سند خاصی در این باره منتشر نشده ولی قرائنی که موجود است، باور کردن این گمانه را ازد کردن آن آسان‌تر می‌کند. به‌علاوه، مشخص است کمپانی‌های طراحی عرضه پوشاک زنانه و طراحی داخل منازل هم از مدهایی که این مجموعه طرح کرده، بهره فراوانی می‌برند.

داستان سریال گامبی وزیر چیست؟

Queen's Gambit یا ترجمه تحت‌اللفظی گامبی وزیر که فارسی زبانان به آن عنوان ملکه شطرنج داده‌اند، یک مینی‌سریال درام دوره‌ای محصول آمریکاست که بر اساس رمان والتر تیوویس به همین نام در سال ۱۹۸۳ ساخته شده است. این مجموعه توسط ایالت متحده و آلن اسکات برای نتفلیکس ساخته شده و دقیق‌ترش این است که توسط آلن اسکات نوشته و کارگردانی شده است. داستان از اواسط دهه ۱۹۵۰ شروع می‌شود و در ادامه به دهه ۱۹۶۰ می‌رسد و در مورد یک اعجوبه شطرنج است که یتیم و بی‌پناه، در عین درگیری با مشکلات عاطفی و وابستگی به مواد مخدر و الکل، به بزرگ‌ترین بازیکن شطرنج جهان تبدیل می‌شود.

Queen's Gambit یا ملکه شطرنج در ۲۳ اکتبر سال ۲۰۲۰ توسط نتفلیکس به انتشار رسید و پس از چهار هفته مشاهده، به پربیننده‌ترین مینی‌سریال نتفلیکس تبدیل شد. هیث لجر، بازیگر فقید نقش جوکر در فیلم‌های شوالیه تاریکی، کسی است که ابتدا قرار بود این مجموعه را بسازد که در سال ۲۰۰۸ کارگردانی کند اما چنین فرصتی را نیافت. اگر هیث لجر این فیلم را در همان سال بحران اقتصادی آمریخ می‌ساخت، احتمالا بیشتر از مدل لباس و چیدمان داخلی منازل و بازی‌های آنلاین شطرنج، روی بحث جنگ سرد متمرکز می‌شد؛ اما حالا با اثری مواجهیم که ادعا می‌کند بیشتر از دشمنی و رقابت، روی یاد گرفتن از حریف تمرکز دارد. نویسنده رمانی که منبع اقتباس این فیلم بوده، مثل قهرمان قصه‌اش اهل ایالت کنتاکی آمریکاست. والتر تیوویس کسی است که از او رمان بیلیارد باز، هم منتشر شده و چندین فیلم از روی این اثر و آثار مختلف او جلوی دوربین رفته است. باقی عوامل مجموعه از جمله کارگردان آن، تهیه کننده‌اش و بازیگر نقش اول، پیش از این تجربه‌هایی در حد و اندازه میانه سریال ملکه شطرنج در کارنامه‌شان نداشتند.

ماجرا از این قرار است که لیزابت هارمون (که با تلفظ عامیانه و صمیمی‌اش بت یا بث هارمون خطاب می‌شود) وقتی هشت ساله است، مادرش در یک تصادف اتومبیل می‌میرد و یتیم می‌شود. او راه به یک پرورشگاه منتقل می‌کنند. در این پرورشگاه به بچه‌ها قرص‌های آرام‌بخش می‌دهند تا اخلاق‌شان سازگار شود. چنین کاری در آن دوره‌تاریخی در یتیم‌خانه‌های آمریکایی باب بوده است. بث هنگام تمیز کردن تخته‌ای که کن‌ها در زیرزمین، متوجه آقای شایبل، نگهبان پرورشگاه می‌شود که در حال بازی شطرنج با خودش است. شایبل پس از درخواست‌های مکرر بث، با اکراه موافقت می‌کند که بازی را به او آموزش دهد. بث از باقی بچه‌های پرورشگاه یاد گرفته است که کیسول‌های آرام‌بخش را که قبل از ناهار به آنها می‌دهند، زیر زبانش مخفی کند تا شب هنگام، وقتی به رختخواب رفت، برای اینکه بخوابد آنها را ببلعد. او که روزها از شایبل شطرنج را آموخته، شب وقتی در سرکات تشنگی قرص فرو می‌رود، روی سقف خوابگاه به شکلی متوهمانه صفحه شطرنج را رسم می‌کند و از این طریق ذهنش را روی این بازی متمرکز می‌کند و به خلاقیت‌های عجیبی دست می‌یابد. به‌طور کل توهم و رویا برای شخصیت‌های این مجموعه یک موقعیت سازنده است. در قسمت دوم سریال، وقتی که مسئول پرورشگاه به خواباد دختران می‌آید تا بث و دوست میانه‌روسنش جولین را ببیند، که آنها می‌گوید بیدار شود، وگرنه صحنه را از دست می‌دهید. دوست میانه‌روست به بیدار می‌شود و با لحنی طعنه‌آمیز به او می‌گوید اگر نمی‌خواهی یک صحنه خوشمزه را از دست بدهی، بلندشو. من داشتم خوابش را می‌دیدم. یعنی او داشت خواب یک صحنه خوشمزه را می‌دید و حالا او واقعیت مجبور است غذای بدمزه پرورشگاه را بخورد. این ارجحیت دادن رویا به واقعیت است؛ همان طور که بث در رویا و توهمات و نشنگی می‌تواند با خودش شطرنج بازی کند و توانایی‌های ذهنی‌اش را به فعلیت برساند، حال آنکه در واقعیت چنین امکانی برای او فراهم نیست. زمان می‌گذرد و بث در زمان نوجوانی توسط خانواده‌ وینلی به فرزندی پذیرفته می‌شود. یک روز متوجه می‌شود که مادرخوانده‌اش همان قرص‌های آرام‌بخشی را که در پرورشگاه به او می‌دادند می‌خورد. بث تعدادی از قرص‌ها را مخفیانه می‌دزدد و همین به او اجازه می‌دهد که دوباره شطرنج ذهنی بازی کند. سپس بث با پولی که از آقای شایبل قرض گرفته، وارد اولین مسابقات شطرنج خود می‌شود. در این میان اتفاقات مختلفی برای بث می‌افتد. آیا او خانم وینلی و همر جدا می‌شوند یا بث به می‌گوید که این را به مقامات نخواهد گفت تا بتواند او را پیش خود نگه دارد. بعد وقتی بث در شطرنج از خودش استعدادی نشان داد، خانم وینلی به او می‌گوید که باید ۱۰ درصد از درآمدش را به او بدهد و بث قبول می‌کند حتی ۱۵ درصد بدهد. در میانه‌های داستان خانم وینلی به‌دلیل هپاتیت و احتمالا مصرف بیش از حد مشروبات الکلی از دنیا می‌رود. بث مرتب در مقابل حریف روس خود بورگوف (مارچین دوروچینسکی) شکست می‌خورد. در حقیقت ما با بورگوف در همان سکانس ابتدایی سریال آشنا شده‌ایم و باقی آنچه از زندگی بث می‌بینیم، فلاش‌بک‌هایی پس از این سکانس هستند. به هرحال بث یک‌جا با این مواجه می‌شود که آقای وینلی قصد اخذای از او را دارد و بعد با مرگ آقای وینلی مواجه می‌شود که اتفاقا خیلی غمگینش می‌کند. سرانجام او موفق می‌شود که حریف روس خود را در پایتخت خودشان یعنی شهر مسکو شکست دهد و وقتی بعد از مسابقه، هنگام قدم زدن در مسکو، از یک پارک قدیمی معمولی عبور می‌کند، پیرمردهای شطرنج‌بازی را می‌بیند که او را می‌شناسند و به بازی دعوتش می‌کنند.

ادامه از صفحه ۱۲

استراتژی تبلیغاتی یک سریال زنانه

چرا شطرنج، چرا جنگ سرد؟

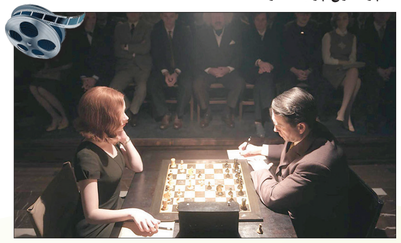

ورزش بازی، همیشه یکی از میدان‌هایی بوده‌اند که رقابت‌های حیثیتی بین دو قوم، دو نوع ایدئولوژی و جهان‌بینی و خلاصه دو دسته و گروه مختلف اجتماعی در آنها تجلی پیدا می‌کرده است. اینکه شطرنج یک بازی است یا ورزش، بحثی نیست که در این مجال بتوان به طرح آن پرداخت؛ اما نقدا این را می‌دانیم که این بازی یا ورزش فکری، یکی از مناسب‌ترین ابزارها برای سرگرم شدن و گذراندن اوقات در ایام فرقطنیه کروناست. می‌پرسید این چه ربطی به رویارویی دو ایدئولوژی و دو قوم و دو گروه اجتماعی در دوران جنگ سرد دارد؟ این همان چیزی است که در پی رسیدن به آن هستیم. در دوران مدرن، به دلایلی که در ادامه شرح آن خواهد گذشت، پس از انقلاب کمونیستی شوروی شطرنج به شکل یکی از اصلی‌ترین عناصر فرهنگ عامیانه روس‌ها درآمد و از آنجا که روس‌ها روی شطرنج علاقه و تعصب خاصی پیدا کرده بودند، در دوران جنگ سرد شکست آنها در این بازی استراتژیک که نشان‌دهنده برتری هوش طرف برنده بود، برای آمریکایی‌ها اهمیتی حیثیتی یافت. از همین رو بود که بازی شطرنج به یکی از مهمترین اصلی تبدیل شد. این اتفاق باعث رونق فراوان این بازی شد. به‌عبارت خلاصه، در طول تاریخ هیچ گاه شطرنج به اندازه دوران جنگ سرد مهم نشده بود. حالا و با شیوع کرونا، کمپانی‌هایی که به یخش محصولات آنلاین، ازجمله بازی‌ها می‌پردازند، افزایش محسوسی را در تعداد کاربران بازی شطرنج مشاهده کردند و این وضعیت را یک فرصت طلایی یافتند. یک فرصت طلایی که باید ظرفیت آن را فعال‌سازی می‌شد. کمپانی نتفلیکس که خودش یکی از همین شرکت‌های عرضه محصولات آنلاین (البته ویدئو و موزیک و نه بازی) است، با پخش سریال ملکه شطرنج که بازه‌زمانی روایت آن اوج دوران جنگ سرد است، باعث شد آمار فروش آنلاین این بازی و مشارکت کنندگان در رقابت‌های برخط و حتی خریدار فیزیکی اسباب بازی‌سازی آن رافروشی بی‌سابقه می‌دانند. از زمان انتشار این سریال در نتفلیکس، غول تجارت الکترونیکی eBay ۲۷۰ درصد افزایش تقاضا برای مجموعه‌های شطرنج و فروش لوازم جانبی آن را ثبت کرده است. حتی جالب است توجه کنیم افرادی که به دنبال مجموعه‌های شطرنج چوبی هستند، ۹ برابر بیشتر از خریداران مجموعه‌های پلاستیکی، الکترونیکی یا شیشه‌ای بودند. سایت بازی Chess.com هم گفته که این مجموعه باعث ایجاد موجی از علاقه به بازی شطرنج شده است؛ با ثبت نام‌های جدید روزانه ۴۰۰ درصد بیشتر از قبل. نیک بارتون، مدیر توسعه تجارت chess.com به خبرگزاری فرانسه گفت: «از زمان انتشار سریال ملکه شطرنج، تقریبا ۲/۵ میلیون عضو جدید در این وب‌سایت داشته‌ایم و تقریبا در هر روز از ماه نوامبر، ما یک رکورد جدید برای بیشترین عضو شدن را ثبت کرده‌ایم.» بارتون این را هم گفته که تمرکز نمایش روی نقش اصلی زن، یعنی بث هارمون (با بازی آنیا تیلور-جوی) باعث شده زنان بیشتری نسبت به حد معمول ثبت نام کنند و آنها هم اکنون بیشتر از مردان در سایت حضور دارند. چنان که پیداست، موجی از مصرف شطرنج در ایام فرقطنیه کرونا به راه افتاده و زنان که عموما سهم بیشتری از خانه‌نشینی دارند، اصلی‌ترین هدف این موج بوده‌اند. حتی گزارش کرده‌ در سراسر جهان، جست‌وجوهای عبارت «شطرنج» پس از انتشار این سریال در بالاترین سطح خود طی ۱۴ سال گذشته رسیده است. این آخرین انفجار محبوبیت برای یک بازی فکری است که کمان می‌رود از قرن هفتم در هند آمده باشد و پادشاهان قرون وسطایی اروپا آن را بازی می‌کردند و گاهی اوقات ممنوعش می‌کردند تا اینکه در اواخر دهه ۱۸۰۰ میلادی، استفاده از آن تثبیت و در دوران مدرن، استفاده از آن در طول جنگ سرد دوباره احیا شد.

محبوبیت اخیر شطرنج در ایام کرونا و تقویت چندبرابری آن توسط یک مینی‌سریال

شطرنج در طول جنگ سرد

عنوان قهرمانی جهان در بازی شطرنج، یکی از میدان‌های نبرد در طول جنگ سرد بود، موضوعی که در پس‌زمینه مینی‌سریال ملکه شطرنج هم وجود دارد. محبوبیت شطرنج را می‌توان با پخش بازی‌بابی فیشر و بوریس اسپاسکی در سال ۱۹۷۲ نشان داد که همچنان محبوب‌ترین نمایش تلویزیونی شطرنج در طول تاریخ است. مسابقات آن بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۲ در جریان بود و تمام دنیا را تسخیر کرد؛ حتی در میان افرادی که چیزی درباره شطرنج نمی‌دانستند. فیشر، یکی از رمزآلودترین چهره‌های شطرنج در تمام دوران‌ها و تنها بازیکنی بود که توانست دیوار شطرنج شوروی را در نیمه‌دوم قرن بیستم خراب کند. گفته می‌شود این برد الهامی را برای نوشتن رمان ملکه شطرنج، برای تیوویس فراهم کرده است.

کاهش محبوبیت شطرنج در ایالات‌متحده

با گذشت زمان از محبوبیت بازی شطرنج در آمریکا کاسته شد. این رامی توان مثلا از کاهش تعداد مقالات درباره شطرنج در نیویورک‌تایمز دریافت. تعداد این مقالات از ۲۴۱ مورد در سال ۱۹۷۲، به ۱۴۸ مورد در سال ۱۹۹۵ کاهش یافت؛ سالی که گری کاسپاروف، استاد بزرگ روسی، در مقابل استاد بزرگ هندی ویسوانانان آنادر طبقه ۱۰۷ مرکز تجارت جهانی نیویورک به میدان رفت. این تعداد در سال ۲۰۱۱ مجددا بیشتر از ۲۸ مورد کاهش پیدا کرد. سالی که هیکارو ناکامورا، یک استاد بزرگ آمریکایی، برنده مسابقات شطرنج فولاد تاتا، یکی از شناخته‌شده‌ترین مسابقات اروپا شد. بازیکنان شطرنج و کارشناسان دو دلیل احتمالی را برای کنار گذاشته‌شدن این بازی توسط آمریکایی‌ها ذکر می‌کنند: عدم‌وجود جنبه‌های دراماتیک در مسابقات شطرنج و دو بدبازیکنان کاریزماتیک در چند سال گذشته از یک سو و مشکلات سیاسی و مالی فدراسیون بین‌المللی شطرنج یا همان فیده FIDE در سوی دیگر.

شطرنج چند ماهی است دوباره محبوب شده. این همه گیری اخیر بازی شطرنج، به لطف پخش کننده‌های شطرنج در توییچ Twitch و یوتیوب YouTube به وجود آمد که آن را به یک ورزش قابل مشاهده و توابع آن را به احساسات آنلاین تبدیل کردند. توییچ یک سرویس پخش زنده ویدئوی آمریکایی و به‌عبارتی یک استریم‌بازی است که به‌عنوان تابعی از کمپانی آمازون اداره می‌شود و با یوتیوب هم که همه کم‌وبیش آشنا هستند. افرادی ازجمله استاد بزرگ دانیل نارودیتسکی و ناکامورا در افزایش محبوبیت مجدد این بازی نقش داشتند. سایت Chess.com در چند ماه گذشته و ایام شیوع کرونا، سه برابر بیشتر از بالاترین حد قبلی خود، عضو جدید داشته، از زمان انتشار سریال ملکه شطرنج در ماه گذشته، بارگیری برنامه‌ها را در اکثر مت‌حده افزایش داد. در میان بازی‌های استراتژیک آنلاین، این برنامه به رتبه سه در ایالات‌متحده و رتبه دو در انگلیس رسیده است. پخش این سریال باعث شد کمپانی بازی‌های جالوت Goliath games که ۶ نوع مجموعه شطرنج را در آمریکا به فروش می‌رساند، ۱۰۴۸ درصد افزایش فروش را تجربه کند؛ یعنی حدود ۱۰/۵ برابر. شرکت‌های اسباب‌بازی‌سازی آن رافروشی بی‌سابقه می‌دانند. از زمان انتشار این سریال در نتفلیکس، غول تجارت الکترونیکی eBay ۲۷۰ درصد افزایش تقاضا برای مجموعه‌های شطرنج و فروش لوازم جانبی آن را ثبت کرده است. حتی جالب است توجه کنیم افرادی که به دنبال مجموعه‌های شطرنج چوبی هستند، ۹ برابر بیشتر از خریداران مجموعه‌های پلاستیکی، الکترونیکی یا شیشه‌ای بودند. سایت بازی Chess.com هم گفته که این مجموعه باعث ایجاد موجی از علاقه به بازی شطرنج شده است؛ با ثبت‌نام‌های جدید روزانه ۴۰۰ درصد بیشتر از قبل. نیک بارتون، مدیر توسعه تجارت chess.com به خبرگزاری فرانسه گفت: «از زمان انتشار سریال ملکه شطرنج، تقریبا ۲/۵ میلیون عضو جدید در این وب‌سایت داشته‌ایم و تقریبا در هر روز از ماه نوامبر، ما یک رکورد جدید برای بیشترین عضو شدن را ثبت کرده‌ایم.» بارتون این را هم گفته که تمرکز نمایش روی نقش اصلی زن، یعنی بث هارمون (با بازی آنیا تیلور-جوی) باعث شده زنان بیشتری نسبت به حد معمول ثبت نام کنند و آنها هم اکنون بیشتر از مردان در سایت حضور دارند. چنان که پیداست، موجی از مصرف شطرنج در ایام فرقطنیه کرونا به راه افتاده و زنان که عموما سهم بیشتری از خانه‌نشینی دارند، اصلی‌ترین هدف این موج بوده‌اند. حتی گزارش کرده‌ در سراسر جهان، جست‌وجوهای عبارت «شطرنج» پس از انتشار این سریال در بالاترین سطح خود طی ۱۴ سال گذشته رسیده است. این آخرین انفجار محبوبیت برای یک بازی فکری است که کمان می‌رود از قرن هفتم در هند آمده باشد و پادشاهان قرون وسطایی اروپا آن را بازی می‌کردند و گاهی اوقات ممنوعش می‌کردند تا اینکه در اواخر دهه ۱۸۰۰ میلادی، استفاده از آن تثبیت و در دوران مدرن، استفاده از آن در طول جنگ سرد دوباره احیا شد.

تبلیغ پوشش و چیدمان داخلی منازل، متناسب با صفحه شطرنج و فضای دهه ۶۰

تا به حال فقط یک زن به نام جودیت پولگار به جمع ۱۰ نفر برتر در رده‌بندی فدراسیون جهانی شطرنج رسیده است. شکاف جنسیتی در شطرنج حرفه‌ای بسیار در دناک بوده و هست و تصویر ناشوکهی که از این در این سریال دیده می‌شود، به این دلیل است که این سریال برای ترسیم گذشته ترسی از سفیدنمایی ندارد. اما مساله اینجاست که این مجموعه، نه‌فقط درباره شطرنج، بلکه درباره شطرنج و لباس است و البته لباس زنانه و بی‌راه‌نیست اگر بگوییم برساختن یک شکوه غیرواقعی برای زنان شطرنج‌باز، انگیزه‌ای تجاری داشته است. لباس‌ها عمدتا به گونه‌ای طراحی شده‌اند که کمابیش مثل صفحه شطرنج دیده می‌شوند. البته غیر از پوشش زنان فیلم، طراحی داخل منازل هم همسو با یک‌سری مدهای جدید که الهام گرفته از مدهای دهه، شصت میلادی هستند، انجام شده است. پوشش بث به مدهای جدید و احتمالا آینده نزدیک تنه می‌زند، اما هنوز لباس‌ها به آن دوره وفادار هستند؛ لباس‌های شیفت از کاردین قرض گرفته شده‌اند؛ تاپ‌های آستین فلوت و دامن‌های کوتاه با الهام از پوچی و بیبا و یک تی‌شرت مخصوص براساس آندره کورژس. در بازتابی تکرارشونده از دنیای تمایز و دنیویی ما با دنیای سریال، لباس‌ها طوری طراحی شده‌اند که شبیه صفحه شطرنج دیده می‌شوند. در این مجموعه زنان دیگری هم غیر از بث حضور دارند. مثلا آلما که افسرده و الکلی است، اما برای بث یک مورد جالب به‌حساب می‌آید؛ همان نامادری او. اگرچه این زنان نامربوط هستند، اما لباس‌های آنها مانند لباس‌های جدید (Dior)، ژاکت‌های دامن‌دار و دامن‌های کامل است که تا دهه ۵۰ به میسیز (Macy's) گروه فروشگاه‌های زنجیره‌ای آمریکایی و فراتر از آن رسیده بود و برای تورهای سریع در لاس‌وگاس، نیویورک، مکزیک و پاریس استفاده می‌شد. آلما حتی لباس‌های سبک دیور خودش را می‌دوزد. یک کپی تقریبا دقیق از نسخه اصلی مربوط به سال ۱۹۵۵، چندین‌بار در سریال ظاهر می‌شود. حتی طراحی فضای داخلی هم همسو با برندهای تجاری، مد در نظر گرفته شده‌اند. خانه‌ای که بث در آن بزرگ شده و بعد اخیرا برای اش می‌کند، فضای متمایزی دارد؛ سایبان‌های پاستلی، صندلی‌هایی به سبک لوئی شانزدهم، آینه‌های ضدآفتاب و کاغذ دیواری‌های چهارخانه به رنگ صورتی و سبز. نوسازی‌های بث تقریبا به اندازه تغییر کمد لباس او دقیق است. به نظر می‌رسد او قادر به جدا شدن از محیط اطرافش نیست. او دیوارهای هندسی را با تابلوهای هندسی خود و میلمان جدید زیبا را با بافتنی‌های فرانسوی هاردی مطابقت می‌دهد. خب، تا اینجای کار شاید نشود ایراد چندانی از روش پول درآوردن نتفلیکس و کسانی که به اوپول داده‌اند تا تبلیغ کالاهایشان را بکند، گرفت؛ اما اگر ملکه شطرنج اثری به‌حساب بیاید که خواسته به زنان نقش بیشتری بدهد و شکوه و وقار آنها را با جلوه‌های بالاتر از آنچه تا به حال در جامعه آمریکا بوده، نمایش بدهد تا این رویا بعدها تبدیل به واقعیت شود، می‌توان در این مورد تشکیک کرد. آیا زن‌های آمریکایی و زنان سایر نقاط دنیا که ممکن است فکر کنند این مجموعه برای روحیه‌بخشی به آنها ساخته شده، آیا اتفاقا در جهانی که فیلم ساخته، نمایش داده می‌شود، همین سریال به این دلیل یک زن انتخاب شده که بتواند لباس‌های زنانه مدنظر طراحان مد را بپوشد و دکوراسیون داخلی مدنظر طراحان داخلی منازل را طبق سلیقه‌ زنان تبلیغ کند، همچنان از ساخت چنین اثری سیاسگزار خواهند بود؟

قهرمان آمریکایی در زمین روس‌ها

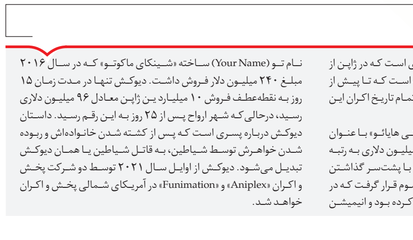

در قسمت پایانی سریال «ملکه شطرنج»، مامور وزارت خارجه آمریکا که به‌عنوان همراه و مراقب بث و به مسکو آمده است، پس از اینکه بث مسابقه نهایی را برنده شد، در ماشین برگه‌ای به دستش می‌دهد که حاوی نکات موردتاکید دولت آمریکا برای بیان شدن در کنفرانس خبری است. پیش از این هم وقتی بث قرار بود به جایی برود که خبرنگاران فراوانی در آن حضور داشتند، این مامور توصیه می‌کرد تا بث به آنها بگوید از وقتی به روسیه آمده‌ام و سبک زندگی اینها را دیده‌ام، بسیار خوشحال هستم که در آمریکا به دنیا آمدم. این اشارات به پروپاگاندای دوران جنگ سرد که البته مقداری کل درشت هم هست، در خود سریال با واکنش سردبت مواجه می‌شود. بث پیش از این نپذیرفته بود که علیه کمونیسم بیانیه‌ای را امضا کند تا خرج سفرش را از انجمن‌های مسیحی بگیرد و وقتی به حالا به‌بازی وزارت خارجه کشورش تن می‌دهد